



مرکز تحقیقات استراتژیک  
معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی

گزارش

شماره ۲۵۲

دی ۱۳۹۵



آزادی حلب: نتایج احتمالی برای بحران سوریه

علی اکبر اسدی  
مرکز تحقیقات استراتژیک

## مقدمه

منطقه غرب آسیا در طول سالهای گذشته با بحرانهای متعددی روبرو بوده که بحران سوریه را می توان اصلی ترین آنها دانست. این بحران با فراز و نشیبهای متعدد و پیچیدگیهای بسیاری همراه بوده و از ظرفیت لازم برای ایجاد منازعات منطقه ای و بین المللی نیز برخوردار بوده است. به خصوص اینکه بازیگران مهمی در سطوح منطقه ای و بین المللی در این بحران دخیل بوده است. در حالی که بحران سوریه با موازنه نسبی نیروها و ادامه منازعه همراه بوده است، به نظر می رسد آزادی حلب تحول مهمی در تغییر منازعه در این بحران محسوب می شود. آزادی حلب از سوی ارتش سوریه و متحدین آن را می توان نقطه عطف مهمی در بحران سوریه در طول سالهای ۲۰۱۱ به بعد دانست. این تحول تاثیرات مهمی بر جنگ سوریه و نتایج بحران دارد و تغییر دهنده بسیاری از روندهای نظامی و سیاسی این بحران است. با این حال جنگ حلب را نمی توان به عنوان پایان جنگ در سوریه تلقی کرد و هنوز بخشهایی از این کشور در دست گروههای معارض و

تروریستی قرار دارد. در این نوشتار ضمن اشاره به روندها و مولفه های تاثیرگذار بر آزادی حلب و نتایج این تحول برای بحران سوریه می پردازیم.

## ۱. روندهای آزادی حلب و شرایط جدید

آزادی حلب را می توان نتیجه چندین روند یا متغیر تاثیرگذار بر بحران سوریه در سطوح مختلف دانست. نخستین و اصلی ترین روند یا متغیر مقاومت، توان و مبارزه نظامی نیروهای ارتش سوریه و متحدین میدانی آن مانند حزب الله است و این موفقیت جز در پرتو چنین مبارزه نظامی محقق نمی شد. متغیر دوم ورود نظامی روسیه به بحران سوریه و بهره گیری از توان نظامی برای کمک به ارتش سوریه و مقابله با گروههای معارض و تروریستی است و این ورود باعث بازگشت روند جنگ سوریه شد. سومین متغیر فقدان اراده و طرح قابل اتکا از سوی دولت اوباما و شرایط گذار سیاسی در امریکا است که هر گونه حمایت از معارضین یا مخالفت جدی با روند آزادی حلب را بسیار دشوار ساخت. به خصوص اینکه رویکرد دونالد ترامپ رئیس جمهور منتخب آمریکا مبنی بر مبارزه جدی با گروههای تروریستی و تساهل در قبال دولت

از قدرت و ایجاد دولت جدید با تسلط معارضین همراه بود در شرایط جدید چگونگی وارد ساختن برخی از معارضین معتدل و غیر مسلح در دولت بشار اسد به منظور ایجاد وفاق ملی مدنظر است. همچنین در حالی که در گذشته غرب کانون حل و فصل سیاسی بحران سوریه بود و راه حلها نیز تحت سیطره ائتلاف غربی-عربی بود، اکنون کانون حل و فصل بحران در حال انتقال به شرق و کشورهایمانند قزاقستان با مدیریت روسی-ایرانی-ترکی-سوری است. لذا در این عرصه نیز شرایط به صورت جدی دچار تحول شده و می‌توان شاهد شرایط جدیدی شد.

### ۲. پیامدهای آزادی حلب برای بحران سوریه

در خصوص نتایج و پیامدهای آزادی حلب برای بحران سوریه به نظر می‌رسد بیش از آنکه بتوان به ذکر گزاره‌هایی ایجابی پرداخت می‌توان به گزاره‌های سلبی اشاره کرد. نخستین گزاره آن است که طرح براندازی و تغییر دولت بشار اسد به عنوان هدف اصلی گروههای معارض و تروریستی و دولت‌های حامی آنها با ناکامی مواجه شده است و اسقاط نظام سوریه با شیوه‌های نظامی را نمی‌توان هدفی در دسترس دانست. چرا که با آزادی حلب معادلات بسیاری تغییر یافته و به خصوص طرح اسقاط نظام با ابزار نظامی به عنوان طرحی موفق دیگر نمی‌تواند مورد توجه و مقبولیت قرار گیرد.

دوم اینکه راهبرد کلان گروههای معارض و تروریستی بیش از آنکه بر تهاجم و توسعه مناطق تحت سیطره خود متمرکز باشد احتمالاً بر حفظ بقا و حفظ مناطق کلیدی تحت سیطره خود به خصوص ادلب متمرکز خواهد شد. لذا می‌توان روند جنگ را برای دولت سوریه و متحدین آن تلاش برای کاهش

اسد و همکاری با روسیه به پیشرفت بهتر عملیات آزادی حلب کمک کرد. متغیر مهم دیگر تغییر جدی در رویکرد ترکیه در بحران سوریه در طول چند ماه گذشته بود. ترکیه با روبرو شدن با تهدیدات امنیت داخلی تمرکز خود را از هدف تغییر رژیم اسد به مبارزه با تهدید کردی و سپس همکاری با مسکو برای حل بحران معطوف کرد و این تغییر رویکرد تاثیرات مهمی برای جنگ حلب و خروج نیروهای معارض از آن داشت.

در تبیین شرایط کنونی بحران سوریه می‌توان مسائل و نکات مختلفی را مورد اشاره قرار داد. در عرصه نظامی با آزادی حلب اکنون عمده شهرها و مناطق مهم و جمعیتی سوریه تحت کنترل دولت درآمد است و تنها ادلب، مناطقی در اطراف دمشق مانند غوطه شرقی و درعا در جنوب این کشور تحت تسلط معارضینی است که فتح الشام (جبهه النصره سابق) در آنها محوریت دارد. همچنین الرقه و تدمر و برخی شهرها و مناطق بیابانی سوریه از جمله الباب در شمال در کنترل داعش قرار داد. اما دمشق و حلب به عنوان دو شهر اصلی سوریه در کنار شهرهایی مانند حمص، لاذقیه و طرطوس در اختیار دولت قرار دارد. ضمن اینکه برخی از مناطق شمالی این کشور نیز در کنترل کردها یا ترکیه و نیروهای متحد آن می‌باشد. لذا نقشه نظامی جدید در سوریه حاکی از پایان موازنه نظامی نسبی گذشته و تغییر جدی این موازنه به نفع دولت و متحدین آن است.

در عرصه سیاسی آزادی حلب به منزله پایان تمامی روندها و راهکارهای سیاسی گذشته از جمله نشستهای ژنو و آغاز روند سیاسی نوین است. در حالی که در گذشته محور اصلی راه حل‌های سیاسی با مضامینی مانند تعیین وقت برای کنار رفتن بشار اسد

قدرت و مناطق تحت کنترل معارضین و برای مخالفان حفظ بقا تلقی کرد. به نظر می‌رسد دولت سوریه بعد از تثبیت مناطق تحت کنترل خود در اطراف دمشق و مناطقی مانند تدمر و پاکسازی آنها به تدریج ادلب را به عنوان جنگ بزرگ نهایی با گروه‌های معارض و تروریستی تعریف کند. مناطق شرقی تحت تسلط داعش مانند الرقه نیز به عنوان اهداف نهایی دولت سوریه برای کنترل کامل سرزمین سوریه مد نظر خواهند بود.

سوم اینکه موفقیت‌های نظامی دولت و پیدا شدن چشم اندازی برای پایان جنگ می‌تواند نیروهای بیشتری را برای تحقق هدف پایان جنگ با اولویت تقویت دولت مرکزی تجمیع کند. در حالی که بحران سوریه هزینه‌های و تهدیدات مختلفی را برای مردم سوریه، کشورهای منطقه و حتی بازیگران بین‌المللی ایجاد کرده است و موازنه نسبی مانع از توافق شده است، اکنون وضعیت جدید می‌تواند باعث گرایش بیشتر مردم و گروه‌های داخلی سوریه و بازیگران خارجی به گزینه ثبات سازی در پرتو دولت مرکزی به عنوان گزینه محتمل و قابل دسترس تر شود.

مساله چهارم تاثیر آزادی حلب بر رویکرد بازیگران خارجی بحران در سوریه است. مهمترین تاثیر در این عرصه افزایش همکاری و تفاهم بین ایران و روسیه برای پایه گذاری روند جدید سیاسی برای حل بحران و تاثیرگذاری جدی تر در نتایج بحران است. هر چند که از گذشته دیدگاه‌های مختلفی در خصوص احتمال افزایش اختلافات بین مسکو و تهران در خصوص بحران سوریه وجود داشته، اما به نظر می‌رسد آزادی حلب به عنوان تجربه‌ای موفق تاثیر مثبتی بر همکاری‌های دو طرف در این حوزه دارد. ضمن اینکه پیوستن ترکیه به طرف‌های

روس و ایرانی در مذاکرات و عدم مخالفت صریح امریکا با تلاش‌های چهارجانبه مسکو- تهران- آنکارا- دمشق برای حل بحران بسیاری از معادلات سیاسی گذشته را تغییر می‌دهد. در این چهارچوب به نظر می‌رسد با افزایش جدی حمایت‌های مصر از دولت اسد، تاثیرگذاری کشورهای عربی خلیج فارس بر بحران سوریه به شدت در حال نزول است. بر این اساس نتایج خارجی جنگ حلب را می‌توان شکل گیری روند سیاسی منطقه ای و بین‌المللی نوین به نفع دمشق در بحران سوریه دانست.

### نتیجه‌گیری

آزادی حلب را می‌توان به عنوان نقطه عطفی مهم در بحران سوریه دانست. نقطه عطفی که باعث تغییر بسیاری از موازنه‌های نظامی و سیاسی به نفع دولت و حتی شکل‌دهی به ذهنیتهای جدیدی برای پایان بحران شده است. با این حال این تحول هرگز به منزله پایان جنگ در این کشور نیست. چراکه هنوز مخالفان مناطق مختلفی را در اختیار دارند و برخی از بازیگران خارجی با احساس خسارت از این تحول در جستجوی فرصتهایی جدید برای تغییر اوضاع هستند. بر این اساس در حالی که دولت سوریه و متحدین آن ابتکار عمل را در روندهای نظامی و سیاسی در دست دارند و آن را به عنوان فرصت و ظرفیت بزرگی تلقی می‌کنند، به همین نسبت برای حل بحران و پایان دادن به آن وظایف و مسئولیتهای دشواری را پیش رو دارند. در واقع برندگان جنگ حلب نیازمند آن هستند که بهترین و جامع‌ترین ابتکارات سیاسی را برای حل بحران ارائه داده و بازیگران مختلف داخلی و خارجی را در طرح‌های سیاسی جدید مشارکت دهند و این موضوعی است که با توجه به تعدد بازیگران و اختلاف

منافع دشوار است. بر این اساس چگونگی بهره‌گیری از منافع آزادی حلب در عرصه سیاسی مهمترین مساله پیش روی دولت اسد و متحدین آن است. در عرصه نظامی نیز دولت سوریه نیازمند آن است که ضمن تثبیت مناطق تحت کنترل خود و ممانعت از اقدامات تهاجمی گروههای معارض به تدریج به کاهش قدرت و مناطق تحت تسلط معارضین اقدام کند. در این چهارچوب ایجاد شکاف و جذب و خلع سلاح برخی گروهها با روشهای مذاکراتی و حداقل ساختن هزینه‌ها و اقدامات نظامی اهمیت می‌یابد. ضمن اینکه تعریف پارادایم جدید فکری و سیاسی برای اجماع در خصوص گروههایی مانند فتح الشام به عنوان گروهی تروریستی در عرصه بین‌المللی می‌تواند به تسهیل روند نظامی کمک کند.

